



The Effects of Cultural Contextualism on Historical Textures in Abarkooh

Mohammad Reza Noghsan Mohammadi, Mahsa Abbasi

Abstract

Historical textures that were responsive spaces for their inhabitants' needs, are no longer strong to function properly during the transformations and changes of biological, social and economic needs, and lost their dynamic life. The Surrounding Area of the Second Sarv located in Nebadan neighborhood (one of the oldest neighborhoods of Abarkuh province) which used to be a lively space for the people, is now destroyed and abandoned. With the emphasis on the importance of infill development as a type of intervention in decaying historical fabric, relationship between the new plane and the historical fabric is too important. Ignoring the socio-cultural context in the form of unjustified interventions will not only lead to the taste of design in the historical context, but will also gradually lead to the destruction of their identity. The purpose of this article is to identify the parts and components of the cultural context of the Surrounding Area of the Second Sarv in Abarkooh for redesigning it in the historical context. The conceptual model of the present article is based on a descriptive-analytical research method. First, the concept of culture, cultural contextualism, and its components are identified. Then the effects of cultural contextualism are examined on the Surrounding Area of the Second Sarv.

Keywords: Culture, Cultural Contextualism, Abarkooh.



زمینه‌گرایی فرهنگی در مداخلات بافت تاریخی ابرکوه

محمد رضا نقصان محمدی^۱، مهسا عباسی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

چکیده

بافت‌های تاریخی که در زمان برپایی و شکل‌گیری، فضایی پاسخگو به نیازهای ساکنین خود بوده‌اند؛ در پی تحولات و تغییر در نیازهای زیستی، اجتماعی و اقتصادی، اکنون فاقد عملکرد قوی هستند و پویایی و حیات خود را از دست داده‌اند. محدوده سرو دوم واقع در محله نبادان (از قدیمی‌ترین محلات و هسته اولیه شهر) ابرکوه با قدمتی بالا که در گذشته به عنوان یک فضای پویا در خدمت مردم بوده است؛ اکنون تخریب، و تبدیل به محلی متروکه گشته است. در کنار اهمیت نوع مداخله در بافت‌های فرسوده تاریخی، ارتباط و نسبت این مداخله با بافت تاریخی نیز مطرح است. بی‌توجهی به زمینه و بستر فرهنگی اجتماعی در قالب مداخلات ناموجه، نه تنها موجب سلیقه‌ای شدن طراحی در بافت تاریخی خواهد شد، بلکه به تدریج نابودی هویت آن‌ها را سبب می‌شود. هدف این مقاله شناسایی اجزا و مؤلفه‌های زمینه فرهنگی، اجتماعی محدوده سرو دوم ابرکوه به منظور استفاده از آن در بازطراحی در بافت تاریخی است. الگوی مفهومی مقاله براساس روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و ابتدا با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای به تبسیط مفهوم فرهنگ، زمینه‌گرایی فرهنگی و اجزای آن پرداخته شده و سپس مصداق آن در محدوده سرو دوم مورد شناسایی واقع شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، زمینه‌گرایی فرهنگی، ابرکوه.

۱- دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد. mohammadi@yazd.ac.ir

۲- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد (نویسنده مسئول).



باورها و اعتقادات مذهبی مردمان سخت‌کوش کویر در جای جای زندگی آنان از جمله در شهرها و محلات این سرزمین کاملاً مشهود است، این مردمان نه تنها در ساخت مسجد و امام‌زاده و زیارتگاه، که در ساخت خانه، محلات و شهر خود نیز، باورها و اعتقادات خالصانه خود را در خشت خشت بنا همراه می‌سازند تا محل زندگی خود را علاوه بر جایی برای زیستن به مکانی مقدس برای پیوند با همه ارزش‌های والای اخلاقی و دینی تبدیل کنند.

با نگاه کلی به ساختار بافت تاریخی ابرکوه می‌توان نمودهای فرهنگی را در کالبد فضاهای این شهر دنبال کرد که به گونه‌ای دلنشین و هماهنگ با عواطف و روحیات انسانی و براساس نیازهای حقیقی آدمی شکل گرفته‌اند. طراحی بافت تاریخی شهر ابرکوه نمود به کار گرفتن دستاوردهایی است که در طول سالیان دراز در تعامل بین طبیعت و جامعه بشری حاصل شده و به تدریج از طریق آزمون و خطا تکامل یافته است و سرانجام به عنوان رهنمودی است برای یک زندگی قناعت‌مندانه و عزتمند؛ که سعی دارد همگان را برای باور داشتن ارزش‌های بومی، قومی و دینی دعوت کند، اما در پی تحولات و تغییر در نیازهای زیستی، اجتماعی و اقتصادی، این بافت اکنون فاقد عملکرد قوی هستند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۶). پویایی و حیات خود را از دست داده، و قابلیت زندگی در این بافت‌های فرسوده تاریخی از بین رفته است. برآیند نکات ذکر شده در قالب شکل‌گیری اراضی بایر و یا مخروبه‌هایی به جا مانده از گذشته که اغلب محل تجمع افراد بزهکار و یا بیرون‌ریز زباله‌های ساختمانی است، نمودار گشته است. سؤال اساسی پیش رو، کیفیت «آنچه ساخته خواهد شد» و نیز ارتباط و نسبت آن با بافت تاریخی است.

چارچوب نظری فرهنگ

«فرهنگ» را به معنای عام کلمه به معنای پیشرفت‌های معنوی و ژرفای فکری یک قوم، قبیله یا ملت در طول تاریخ و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، مذهب، سنن، زبان، ادبیات، قوانین اجتماعی، هنر و معماری، ابزار و اشیاء مربوط به یک ملت یا قوم

می‌دانند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۷۳). با بررسی واژه فرهنگ در واژه‌نامه‌های گوناگون می‌توان دید که هر یک از معادل‌های به کار برده شده برای این واژه بر یکی از سه دسته معرفی شده در جدول زیر دلالت دارد.

جدول ۱: معانی فرهنگ براساس واژه‌نامه‌های دهخدا، عمید، معین، لانگمن

معانی فرهنگ	شامل
مفاهیم	علم، دانش، ادب، عقل، خرد، معرفت، آثار علمی و ادبی، گنجینه، هر توانایی قابل کسب، باورها، رسوم، هنر و حرفه
افعال	تعلیم، تربیت، آموزش، پرورش، پالایش، تهذیب، کاشتن، آموختن، شکل دادن

در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم محوری و کلیدی در انسان‌شناسی به کار رفت که همه پدیده‌های انسانی را دربر می‌گرفت و صرفاً نتیجه امور ژنتیکی به حساب نمی‌آمد. اصطلاح «فرهنگ» به ویژه در انسان‌شناسی آمریکایی^۱ دارای دو معنی بود:

- ظرفیت و گنجایش تکامل یافته بشر برای دسته‌بندی و بیان تجربیات به واسطه نمادها و کنش پندارمآبانه و نوآورانه.

- راه‌های مشخصی که مردم براساس آن در نقاط مختلف جهان زیسته و تجربیات خود را به شیوه‌های گوناگون بیان می‌کنند و به شکلی خلاقانه دست به کنش می‌زنند. پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح - اگرچه با معانی مختلف - از اهمیت بیشتری در دیگر رشته‌ها و حوزه‌های علمی مثل جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی سازمانی و علوم مدیریتی برخوردار شد (لوین^۲، ۱۹۷۱).

بشر در پی پاسخ دادن به نیازهای خود همواره در پی رابطه برقرار کردن با محیط طبیعی اطرافش بوده است. چنانچه روح‌الامینی می‌نویسد: «بشر برای اینکه محیط طبیعی را برای زیستن آماده کنند و از منابع و نعمت‌هایی که «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» در پیرامون

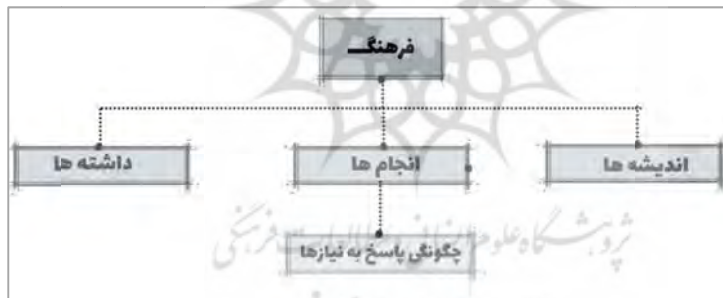
1-American Anthropological Association :is an organization of scholars and practitioners in the field of anthropology. With 10,000 members, the association, based in Arlington, Virginia, includes archaeologists, cultural anthropologists, biological (or physical) anthropologists, linguistic anthropologists, linguists, medical anthropologists and applied anthropologists in universities and colleges, research institutions, government agencies, museums, corporations and non-profits throughout the world. The AAA publishes more than 20 peer-reviewed scholarly journals, available in print and online through AnthroSource . The AAA was founded in 1902 (wikipedia).

2- Levin, 1971.



او گسترده‌اید استفاده کند، قرن‌ها و قرن‌ها تلاش کرده؛ اندیشه نمود؛ ابزار ساخته؛ به اکتشاف و اختراع دست زد تا وسایل آسایش خود را فراهم آورد و عوامل ناراحتی خود را از میان بردارد و حاصل این تجربه‌ها و دستاوردها و اکتشاف‌ها و مهارت‌ها را به فرزندان خود سپرد و آنان نیز به سهم خود این میراث را با تغییر دادن و کاستن و افزودن به نسل بعد سپردند» (روح الامینی، ۱۳۸۲: ۱۶).

طبق تعریف برستد، فرهنگ کل پیچیده‌ای است که شامل هر آنچه است که می‌اندیشیم^۱، انجام می‌دهیم^۲ و داریم^۳. با توجه به اینکه داشته به کلیه پدیده‌هایی که در تحت تصرف انسان است (هم طبیعی و هم انسان ساخت)، اطلاق می‌گردد و از آنجا که منظور از فرهنگ همه تولیدات و مصنوعات ساخت انسان است (و نه پدیده‌های طبیعی)، در این پژوهش بهتر دیده شده که به جای استفاده از «داشته‌ها» از واژه جایگزین تولیدات^۴ استفاده گردد (برگرفته از برستد، ۱۹۷۰: ۱۴۹-۱۴۸).



نمودار ۱: اجزای فرهنگ

طبق نظریه «نیازها»ی مالدینوفسکی که شالوده یکی از آثار او با عنوان نظریه‌ای علم درباره فرهنگ را تشکیل می‌دهد، کارکرد عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ، ارضای نیازهای اساسی انسان است. از نظر وی فرهنگ دقیقاً پاسخ کارکردی به الزامات طبیعی را ارائه می‌دهد (کوش، ۱۳۸۱: ۵۶). بنابراین اولین و اصلی‌ترین کارکرد فرهنگ، پاسخ دادن به

- 1- Thinking
- 2- Doing
- 3- Having
- 4- production

نیازهای انسان است. همان طور که گفته شد، ارضای نیازهای انسان از طریق برقراری رابطه وی یا محیط پیرامونش است. بنابراین فرهنگ به وسیله اندیشه‌ها، تولیدات و انجام‌ها، رابطه انسان و محیط پیرامونش را برقرار می‌کند.

این افعال که در نظریه فرهنگی مالدینوفسکی به آنها پرداخته شده، همان پاسخ‌های فرهنگی به نیازهای زیستی افراد هستند. مالدینوفسکی در تناظر با نیازها، این افعال را مشخص نموده است (مالدینوفسکی، ۱۳۷۸: ۱۱۶):

پاسخ‌های فرهنگی

معیشت	
خویشاوندی	
سرپناه	
محافظت	
فعالیت	
آموزش و پرورش	
بهداشت	

نیازهای اولیه

سوخت و ساز
تولید مثل
رفاه جسمانی
امنیت
تحرك
رشد
تندرستی

نمودار ۲: پاسخ‌های فرهنگی متناظر با نیازهای اولیه

بررسی نیازهای انسان

مازلو^۱ با دیدگاهی انسان‌گرا ضمن تأکید بر تجربه‌ها و دنیای درون انسان به دسته‌بندی نیازها پرداخته است. او نیاز را مجموعه خواسته‌های فیزیکی و روانی انسان تعریف می‌کند. به ترتیبی که نیازهای قوی‌تر نسبت به نیازهای ضعیف‌تر اولویت دارند. به نظر مازلو انگیزه‌ها و نیازهای انسانی، عوامل درونی و ذاتی انسان هستند و در بدو تولد با انسان زاده می‌شوند. از این رو متکی بر ارزش‌های درونی خود در جستجوی یافتن راهی جهت ارضای خواسته‌های خود است و این عمل را از روی اراده و در جهت رفع نیازی خاص انجام می‌دهد. لذا انسان از طریق تعامل با محیط و تغییر در قابلیت‌های آن است که می‌تواند به محیط معنا بخشد. مازلو نیازهای انسان را به دو گروه نیازهای

1- Maslow





اساسی یا اولیه و نیازهای برتر، دسته‌بندی و در یک نظام سلسله‌مراتبی، آنها را از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین ردیف می‌کند. در پایین‌ترین سطح از نیازهای اولیه انسان، نیازهای جسمانی و به دنبال آن نیاز به ایمنی و امنیت قرار دارد. بعد از ارضای این نیازها، نیاز به خویشتاوندی و احترام به خویش اوج گرفته و سپس به بالاترین سطح از نیازهای اولیه که همانا خودشکوفایی است دست می‌یابد. نیاز به شناخت و زیبایی در مرتبه‌های بالاتر و به عنوان نیازهای عالی به معنای واقعی خود، بعد از ارضای نیازهای قوی اولیه است که به واقع در انسان بروز می‌نماید، اگر چه به قول مازلو در تمام سلسله‌مراتب نیازها به گونه‌ای حضور دارد (مطلبی، ۱۳۸۵: ۵۷).

سلسله‌مراتب پیشنهادی مازلو به ترتیب زیر است:

- نیازهای فیزیولوژیک

- نیاز به ایمنی

- نیاز به تعلق داشتن

- نیاز به قدر و احترام

- نیاز به خود شکوفایی

- نیاز به زیبایی (ماسلو، ۱۹۸۷)^۱

زمینه‌گرایی

زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی - زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد که عناصر شهر در درون آن، شناخته، پرداخته و ساخته می‌شوند. دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه داشت، اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی - فرهنگی جامعه گسترش داد. در این دیدگاه، ایده‌ها و عناصر شهرهای گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. بنابراین، شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد. وی در هنگام ایجاد اجزای جدید شکل شهر به موارد زیر متعهد می‌ماند:



۱) زمینه‌گرایی کالبدی، به شکل کل از قبل موجود

۲) زمینه‌گرایی تاریخی، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان

۳) زمینه‌گرایی اجتماعی - فرهنگی، به معانی ارزش‌ها و اهداف مشترک و

۴) زمینه‌گرایی زیست محیطی (تولایی، ۱۳۸۱: ۳۴)

زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی

در دهه شصت قرن بیستم اصول اندیشه‌ها و جهان‌بینی معماری مدرن زیر سؤال رفت و توجه به خصوصیات انسانی و توجه به معماری انسان‌مدار، مطرح شد. در این نظریه هر بنایی باید براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی و شرایط آن سایت و ساختمان، طراحی و اجرا شود (قبادیان، ۱۳۸۶: ۷۴). بنابراین به خصوصیات انسانی و معماری انسان‌مدار توجه شد. رابرت ونچوری ساختن برای مردم، طرفداری از زیبایی‌شناسی و شکل شهر عامه‌گرا و بومی را مهم می‌دانست. راپاپورت به عنوان یکی از نظریه‌پردازان متمرکز بر زمینه فرهنگی آورده است: «فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. در این نظریه عناصر متشکله ساختار شهر واجد معنا هستند و تفسیر آنها به وجود آوردن یک کل معنی‌دار است» (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳). فرهنگ به معنای مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به مردم کمک می‌کند تا به محیط خود معنی دهند و فضاها را تبدیل به مکان کنند. در سازماندهی محیط مصنوع که سازماندهی معنا نیز هست، ویژگی‌های کالبدی نظیر مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، ویژگی ارتباطی و نمادین دارد. عناصر کالبدی در محیط دارای معانی متفاوت هستند و این معانی به شکلی نظام‌یافته در پیوند با فرهنگ هستند. مردم در مجموعه‌های کالبدی مختلف هنجارهای رفتاری متناسب با آن را بروز می‌دهند و براساس قرائتشان از محیط رفتار می‌کنند. باید این زبان را شناخت و مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط قرار داد. اگرچه شهر معاصر با کثرت معانی مواجه است، اما فاقد معنای مشترک است؛ برای شهرهای امروزی به خاطر گسستگی میان واژه‌ها در شیوه درک معانی، مشکل ایجاد شده است. بنابراین اهمیت دارد که اجزای شکل شهر را به شیوه‌ای به هم



متصل کرد که معنی مشترک داشته باشند (راپوپورت، ۱۹۷۷)^۱. بیل هیلر و ژولین هسن هم شواهدی مبنی بر اثبات اهمیت معنی اجتماع شکل شهر ارائه داده‌اند. به نظر آنها فضای زندگی مردم چیزی بیشتر از جمع اجزای مادی آن است. همان طور که زبان نمی‌تواند متشکل از اجزای پراکنده باشد، در شهر نیز مهم‌ترین چیزی که معنی را می‌سازد نشانه نیست، بلکه کل گفته یا بیان است؛ ایجاد رابطه میان ذهنیات غیرمادی و انتزاعی و عینیات دنیای مادی که با غفلت از آن فضا از اجتماع و اجتماع از فضا پاک می‌شود (هیلر و هسن، ۱۹۸۵)^۲.

شولتز^۳ (۲۰۰۰) معتقد است: «اساس نظریه مکان بر درک خصوصیات انسانی و فرهنگی، کالبدی است. فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیاء را به هم پیوند می‌دهد. وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد، مکان نامیده می‌شود». به عقیده وی، ویژگی مکان، هم اشیایی را که دارای شکل، بافت و رنگ است دربر می‌گیرد و هم روابط فرهنگی را که بر اثر مرور زمان ایجاد می‌شود. او با تأثیر از افکار هستی‌گرایی و پدیدارشناسی که خود از برجسته‌ترین چهره‌های آن در معماری است، بر زمینه‌های انسانی تأکید دارد. راجر ترانسیک نیز ضمن اینکه معتقد به عدم کارایی پدیده گشتالت در شهرسازی معاصر است، به علت نادیده گرفتن اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی در شهرسازی معاصر و سلب معانی فرهنگی و اهداف انسانی از فضاها عمومی، بر زمینه انسان‌گرایانه تأکید دارد. زمینه‌گرایان فرهنگی - اجتماعی بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی، استوار هستند؛ زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ای که ظاهر می‌شود، درک می‌شود. به گفته کینگ در زبان‌شناسی، معماری زبانی است که شهر، «متن» آن است و در معنی‌شناسی «شکل شهر متنی است که باید تفسیر شود. شهرسازان برای ایجاد انسجام ارتباطی به نوعی شبیه‌سازی روی آورده‌اند و

1-Rapoport, 1977

2- Hillier& Hanson, 1985

3- Schultz

الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده‌اند. به نظر آنها، رابطه میان اجزای تشکیل دهنده شهر و یا کلمه‌ها برای ایجاد یک سلسه مراتب از کلیات یا جمله‌ها باید طوری باشد که برای مخاطب معنادار باشد و زبان نمی‌تواند اجزایی پراکنده داشته باشد (کینگ، ۱۹۹۶).^۱

کریستوفر الکساندر^۲ درباره تأثیر متقابل مردم و محیط و انسانی کردن محیط می‌گوید: «زمینه بخشی از طراحی است که به فرم القا می‌شود؛ لذا هماهنگ ساختن فرم با زمینه مطرح می‌شود». کتاب «روش جاودانه ساختمان» و «زبان الگو» بر تأثیر متقابل مردم و محیط و انسانی کردن محیط و معنا بخشیدن به آن تأکید دارد که در آن ۱۵ اصل پیوند ناگسستنی ماده و آگاهی که منجر به ایجاد کلیت واحد و یکپارچه می‌شود، به این صورت بیان می‌شود: «مقیاس‌های مختلف، مراکز قدرتمند، پیوند عمیق و ابهام، شکل خوب، فضاهای مثبت، سادگی و آرامش، تضاد، فضای خالی، ناهمواری‌ها، بازتاب، تقارن‌های محلی، تکرار، مرزها، شیب، عدم تفکیک». در نتیجه، می‌توان گفت در پس واژه‌ها معنایی نهفته است که باید آن را شناخت. تحلیل یک پدیده کالبدی زمانی میسر است که دریابیم در آن فرهنگ چه معنایی برای آن قائل هستند (الکساندر، ۱۹۷۷).^۳

اسمیت در کتاب «نحوشناسی شهرها سعی دارد تا در جهت تقویت جایگاه ارزش‌های انسانی در طراحی شهری نتایج بررسی طیف وسیعی از قواعد رابطه عناصر معماری و شهر را به دست دهد. وی برای این قواعد واژه نحوشناسی را از ادبیات وام می‌گیرد. نحوشناسی یعنی جمله‌سازی و چگونگی اتصال کلمات؛ به گونه‌ای که معنی داشته باشد و اطلاع‌رسانی کند. طبق نحوشناسی شهرها، اجزای محیط مصنوع، واژگانی را تشکیل می‌دهند که شیوه قرار گرفتن آنها در کنار هم معنای خاصی را القا می‌کند. چنانچه بر روی معنی شکل‌ها و فضاها، میان مردم اتفاق نظر لازم و کافی وجود داشته باشد، شکل شهر می‌تواند با مردم شهر ارتباط برقرار کند (اسمیت، ۱۹۷۳).^۴ در ادامه با جمع‌بندی آراء صاحب‌نظران

- 1- King, 1996
- 2- Christopher Alexander
- 3- Alexander, 1977
- 4- Smith, 1973





۱۳۰

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۹

زمینه گرای فرهنگی در مداخلات بافت تاریخی ابرکوه

زمینه‌گرایی اجتماعی - فرهنگی، پارادایم‌های بعد اجتماعی - فرهنگی زمینه‌گرایی مستخرج از آراء ایشان در جدول ذیل گردآوری شده است.

جدول ۲: پارادایم‌های بعد اجتماعی - فرهنگی زمینه‌گرایی از دیدگاه صاحب‌نظران

نوربرگ شولتز	<p>- طرح ایده روح مکان: در صدد است اصولی را برای ساخت مکان دریابد که گذشته را با آینده پیوند زند. برای این کار لازم است تا قواعد از پیش موجود شناخته شده و در درون آن عمل شود - تأکید بر حفاظت از روح مکان یعنی عینی ساختن جوهر آن در زمینه‌های تاریخی جدید که همیشه در حال نو شدن است .</p> <p>- بر تغییر شکل، توسعه و حفظ آنچه که موجود است بر اساس روح مکان تأکید دارد، اما این بدان معنی نیست که از شیوه‌های قدیم تقلید شود، بلکه باید هویت مکان و تفسیر آن را به شیوه‌های جدید میسر ساخت (شولتز، ۱۳۸۱: ۱۱۰).</p>
پیتر اسمیت	<p>- تلاش برای تقویت جایگاه ارزش‌های انسانی در طراحی شهری.</p> <p>- تلاش برای شناسایی معانی مشترک بناها و فضاها در اذهان مردم و انتقال این معنای مشترک در طراحی‌های جدید در قالب نظم و هماهنگی (اسمیت، ۱۹۷۳)</p>
فرانسیس تیبالدز ^۱	<p>راهکارهای پیشنهادی برای زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی.</p> <p>- توجه به ماهیت عرصه‌های عمومی با توجه به اهمیت آن‌ها؛ محیطی برای همگان، هویت، زمینه‌گرایی و مقیاس انسانی.</p> <p>- درس گرفتن از گذشته؛ غنا، زمینه‌گرایی، راحت بودن، آزادی انتخاب، ماندگاری در خاطره، نظم (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۸۷).</p>
هیلیر و هنسن	<p>- ایجاد رابطه‌ای میان ذهنیات غیرمادی و عینیات دنیای مادی، که لازمه این رابطه جمع و اجتماع است.</p> <p>- نظم کالبدی و هدفمندی یک فضا برای اهداف اجتماعی پدید آمده است که منجر به رابطه‌ای خاص میان عملکرد و معنی اجتماعی می‌شود و این معنی ابزاری برای شناخت و تداوم هویت‌های فرهنگی یک اجتماع است (هنسن و هیلیر، ۱۹۸۵)</p>
ادوارد رلف ^۲	<p>- احیا و نگهداری مکان‌های موجود و خلق مکان‌های جدید در راستای فهم مفهوم مکان که دربر گیرنده مشخصات انسانی است.</p> <p>- تأکید بر هویت مکان: ظاهر فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱۰).</p>
آموس راپاپورت	<p>- توجه به معنا به‌عنوان مهمترین متغیر در درک محیط.</p> <p>- بررسی رفتار انسانی به عنوان بخش مهمی از تاریخ شهر و شهرسازی؛ این مدل پایه در واقع الگوهای رفتاری هر فرهنگ، برای سامان بخشیدن به دنیایی زندگی است (راپاپورت، ۱۳۸۲: ۹۱).</p>

1- Francis Tibbalds
2- Edward Relph

همان گونه که گفته شد، فرهنگ به وسیله اندیشه‌ها، تولیدات و انجام‌ها، رابطه انسان و محیط پیرامونش را برقرار می‌کند. با تأمل و بررسی پیرامون واژه فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها، سنت، باور، عرف و آیین، به عنوان اندیشه‌ها در فرهنگ شناسایی گشت؛ اندیشه‌هایی که توجه به آنها در طراحی، نقطه اشتراک تمامی صاحب نظران پیرامون زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی است. از طرفی طبق نظریه مالدینوفکسی فرهنگ به عنوان انجام‌ها (کارکرد فرهنگی) دقیقاً چگونگی پاسخ به نیازهای انسان است.



نمودار ۳: معیارهای زمینه‌گرایی فرهنگی

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کیفی و با راهبرد توصیفی - تحلیلی است و با حضور پیوسته پژوهشگر در محدوده مورد مطالعه متحقق شده است. نمونه موردی منتخب



برای مطالعه زمینه‌گرایی فرهنگی براساس آنچه در ضرورت گفته شد، محدوده سرو دوم ابرکوه است. شیوه گردآوری اطلاعات در راستای نیل به اهداف این پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل آراء صاحب‌نظران و مرور مبانی نظری فرهنگ، زمینه‌گرایی فرهنگی است. سپس اجزای زمینه‌گرایی فرهنگی استخراج گشته است. پس از تدوین معیارها در راستای شناخت محدوده مورد مطالعه، از روش مطالعه میدانی، حضور در محل و مصاحبه عمیق شفاهی، مصداق مؤلفه‌ها و اجزای زمینه‌گرایی فرهنگی مورد جستجو قرار گرفته است و پس از بیان و تحلیل یافته‌ها، راهکارهایی به منظور شناسایی درست و اصولی مؤلفه‌ها و اجزای زمینه فرهنگی - تاریخی محدوده مورد مطالعه و انطباق آنها با نیازهای امروزی انسان‌ها ارائه گشته است.

مطالعه محدوده نمونه موردی

شهر ابرکوه از شهرهای قدیمی فلات مرکزی ایران است. این شهر دارای پیشینه طولانی در شهرنشینی بوده و آثار تاریخی و اماکن قدیمی بسیاری را در خود نهفته دارد. وجود آثار و ابنیه‌های تاریخی شهر ابرکوه، هر کدام بیان‌کننده وجود سابقه‌ای طولانی از تاریخ اجتماعی در این شهر هستند. بناهایی که حتی از قرن سوم تا به حال به جای مانده و به عنوان شاخص‌هایی تاریخی، قدمت شهر را متذکر هستند. مثل مسجد جامع، سردر نظامیه، گنبد عالی، بقعه سیدون و غیره (طرح جامع ابرکوه). از این شهر تاکنون به نام‌های ابرکوه، برقو و درکوه یاد شده است. نام‌های مذکور، به خاطر موقعیت طبیعی و واقع شدن شهر در بر یا پای کوه بوده است و در سبب نام‌گذاری آن تاریخ و جغرافی‌نویسان، علت‌هایی را ذکر نموده‌اند. یاقوت از این شهر با عنوان «ابرقوه» یاد کرده و نوشته است: برخی آن را ابرقویه نوشته‌اند و اهل فارس، ورکوه نامیده‌اند؛ به معنی فوق‌الجبل و ... (حموی، ۱۹۶۵: ۱۷۹). قزوینی نیز نام آن را به صورت درکوه آورده و به قرب‌الجبل معنی کرده است (قزوینی، ۱۳۸۰: ۱۳۷). براساس مذهب می‌توان گفت که اکثر مردم شهر ابرکوه مسلمان و شیعه اثنی‌عشری هستند (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۴۴۲).

یکی از مراسم‌هایی که در شهرستان ابرکوه، با عظمت برگزار می‌شود، تعزیه و

سوگواری هاست که می‌توان دلیل آن را اهمیت زیاد مذهب در بین مردمان این شهر دانست. هیئت‌های عزاداری به شکل امروزی از روز هفتم محرم به صورت دو گروه زنجیرزنی و سینه‌زنی آغاز می‌شدند. در گذشته و همچنین امروزه، در روزهای نهم و دهم محرم در هیئت‌های عزاداری وسایل و لوازم دیگری اضافه می‌گردید. مثلاً در شب عاشورا دسته تیغ زنان اضافه می‌شدند. نقش دو طفلان مسلم همراه با حارس، قاتل آنها، به جماعت عزاداران اضافه می‌شد و به همراه هیئت به تکایا و حسینیه حرکت می‌کردند. در روز عاشورا نقش‌هایی دیگری به عنوان شبیه به هیئت‌ها اضافه می‌گردید.



تصویر ۱: مراسم تعزیه روز عاشورا در ابرکوه

از دیگر مراسم‌های سوگواری مشهور و رایج در محرم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مراسم زنجیرزنی: نوعی عزاداری بی‌نظیر در سطح جهان شیعه با تواضع شگفت‌انگیز و پرهیز از هر حرکت خودنمایانه و اجتناب از هر نوع سلیقه شخصی در نوع پوشش، همگی در لباس هماهنگ بلند عربی است. جمعیت ۴۰۰۰ نفری در طول خیابان اصلی شهر، همزمان با بالا آمدن زنجیر دست راست و جلو گذاشتن پای راست و بالعکس و هماهنگ با ریتم طبل و شیپوری منحصر به عزاداری شهرستان ابرکوه که این ریتم در فهرست میراث معنوی - ملی به ثبت رسیده است (اکرمی، ۱۳۹۴: ۲۳-۱۷).



۱۳۳

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۹

زمینه‌گرایی فرهنگی در مذاخلات بافت تاریخی ابرکوه



تصویر ۲: مراسم زنجیرزنی روز عاشورا در ابرکوه

مراسم شده بردن و شده گردانی: یکی از مصیبت‌های وارده به اهل بیت امام حسین (ع) غارت پارچه‌ها، دست دوش‌های حضرت زهرا (س) و زیورآلات اهل بیت در واقعه عاشورا است. در شهرستان ابرکوه برای نمایش این مصیبت پارچه‌ها بر شده آویخته می‌شود تا نشانه‌ای از موارد ذکر شده، باشد. شده با علم، توغ و علم رخت‌پوش کاملاً تفاوت دارد و خاص شهرستان ابرکوه است و حرکت شده‌ها خاص صبح عاشورا است (اکرمی، ۱۳۹۴: ۲۳-۱۷).



تصویر ۳: مراسم شده بردن در روز عاشورا در ابرکوه

در اجرای ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی حفظ میراث فرهنگی ناملموس، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور مصوب سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن و ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی، «مراسم آیینی زنجیرزنی جفتی» با گستره موضوع فرهنگی ناملموس به شماره ۱۱۱۳ و «مراسم آیینی جوش زنی» به شماره ۵۴۴ و «مراسم آیینی شده‌بندی و شده‌گردانی» به شماره ۱۱۰۷ در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۳ در فهرست آثار ملی ناملموس کشور ثبت گردیدند (اکرمی، ۱۳۹۴: ۲۳-۱۷).

رسم باران خواستن یکی دیگر از مراسم‌های جمعی در شهرستان ابرکوه بوده است که به دلیل برخوردار بودن از ناحیه‌ای کم‌باران و خشک، بی‌نظمی در بارندگی زندگی مردمان را تهدید می‌کند. این دعا در قالب مراسم‌های روزه گرفتن، نماز باران و دعا کردن بر پشت بام‌ها صورت می‌گرفته است (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۴۴۱). آداب عید قربان نیز در این شهرستان ویژه بوده و اعتقاد داشتند که چون قربانی کردن یک فریضه الهی است. مردمی هم که حاجی نیستند باید بنا بر وضعیت مالی خود حیوانی یا پرنده‌ای را قربانی کنند. رسم دیگر بر این بود که مردم هر محله‌ای در میدان محل جمع می‌شدند و دعاگویان و تکبیرگویان به صحرای نزدیک محله می‌رفتند و نماز عید قربان و خطبه توسط پیش‌نماز خوانده می‌شد و بعد از آن مردم پراکنده می‌شدند و به دیدن بزرگ‌ترها می‌رفتند. به ویژه دیدار از میدان مرسوم بوده است (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۴۴۲).

آداب عید نوروز نیز به صورت خانه‌تکانی، درست کردن چنگال از گندمی که با آب باران که پاک‌ترین آب است، رشد کرده است، کاشتن سبزی، پختن پلو که به دلیل کمیابی برنج فقط در نوروز استفاده می‌شده است، خرید لباس‌های نو، سفره عید، دید و بازدیدها، انجام بازی‌هایی همچون تخم مرغ بازی، گردوبازی و مچ انداختن و رفتن به سیزده‌به‌در، انجام می‌گرفته است (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۴۴۳-۴۴۶). ماه مبارک رمضان نیز به دلیل بافت سنتی و مذهبی ابرکوه با مراسم خاصی همراه بوده است. در گذشته در ماه رمضان نماز جماعت تنها در مسجد جامع ابرکوه برگزار می‌شده است.



از دیگر مراسمات در این ماه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شب احیاء فقط در مسجد جامع برگزار می‌گردیده است و از عبادت‌کنندگان با شیر پذیرایی، می‌کردند. معمولاً مردم که بیشتر کشاورز و دامدار بودند، برای نیل به حاجات و رفع بلاها برای شب احیاء شیر نذر می‌کردند و در شب احیاء دسته دسته ظرف‌های شیر به سمت مسجد جامع روانه می‌شد و در آنجا شیرها را بعد از گرم کردن، بین مردم توزیع می‌کردند. در سحرگاهان برای بیدار کردن مردم کسانی که صدای خوشی داشتند؛ به پشت بام‌های خود رفته و مناجات می‌کردند و بدین وسیله دیگران را بیدار می‌کردند. همسایه‌ها نیز با رفتن به پشت در خانه‌هایی که خواب مانده بودند، آنها را از خواب بیدار می‌کردند. رسم دیگر برای بیدار کردن خفتگان کوبیدن به دلو بود. مناجات‌ها بیشتر به زبان فارسی ادا می‌شد. برای افطار انجیر خشک و انگور عسکری مصرف می‌شد. عید فطر همه بایستی آش گندم بپزند. آش جو نیز مرسوم بوده است. در عصرهای ماه مبارک مجالس روضه‌خوانی برگزار می‌شد و مردم به روضه می‌رفتند (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۴۴۷-۴۴۸).



نقشه ۱: حوزه مطالعاتی (محدوده سرو دوم ابرکوه)

محدوده سرو دوم ابرکوه در محله نبادان (از محله‌های قدیمی شهر ابرکوه) واقع شده است. قدمت زیاد این محله و قرارگیری در محدوده هسته اولیه بافت تاریخی، نزدیکی به عناصر مهم و تاریخی شهر ابرکوه (مثل مسجد جامع، امامزاده احمد و بلوار شهید صدوقی) از ویژگی‌های این محدوده است. گسترش فرسودگی بافت در طول زمان و بی‌توجهی به مرمت دانه‌های قدیمی، موجبات به وجود آمدن لکه‌های بلاتصدی و بلا تکلیف در این محدوده از بافت تاریخی را فراهم نموده است (پویا نقش شهر و بنا، ۱۳۸۶).

بیان یافته‌ها و تحلیل علمی آنها

با توجه به نقش مهم زمینه در طراحی و ضرورت احترام به زمینه در همه ابعاد در مداخلات بافت تاریخی، مصداق زمینه‌گرایی فرهنگی (طبق نمودار ۳) در محدوده مورد مطالعه از طریق برداشت‌های حاصل شده در سایت، در جدول ذیل ارائه گشته است:

جدول ۳: مصداق زمینه‌گرایی فرهنگی در محدوده مورد مطالعه

زمینه‌گرایی فرهنگی		
انجام‌ها		
نیازهای انسان	چگونگی پاسخ به نیازهای انسان	مصداق در محدوده سرو دوم ابرکوه
نیازهای فیزیولوژیک	تسهیلات و تجهیزات کافی آسایش اقلیمی استحکام تعادل	<ul style="list-style-type: none"> وجود فضاها و گذرهای سرپوشیده، بسته و نیمه بسته استفاده از مصالح بوم‌آورد با ضریب گرمایش مناسب وجود فضاهای باز، نیمه‌باز در معماری ساختمان مانند ایوان‌ها، رواق‌ها، فضاهای باز غیر محصور در بام ساختمان‌ها برای استفاده در شب انطباق راستای اصلی مسیرها با تأثیر اقلیمی آنها جهت‌گیری مناسب استقرار ساختمان متناسب با دریافت انرژی خورشید وجود دیوارهای بلند برای ممانعت از ورود بادهای نامطلوب
نیاز به ایمنی	محرمیت	<ul style="list-style-type: none"> وجود سلسله مراتب دسترسی افزایش محصوریت با نزدیک‌تر شده به کاربری خصوصی و دور شدن از کاربری عمومی





۱۳۸

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۹

زمینه‌گرایی فرهنگی در مداخلات بافت تاریخی ابرکوه

• وجود عناصر هویت بخش (سرو کهن سال، امامزاده احمد و...)	هویت	نیاز به تعلق داشتن
• وجود دیدهای پی در پی در فضا • کنار هم قرار گرفتن فضاهای ایستا و پویا	خوانایی	
• هماهنگی نمای ساختمان‌ها	تناسبات بصری	نیاز به قدر و احترام
• غریب گز بودن ^۱ ورودی‌های محله • وجود فضاهای نیمه‌خصوصی (هشتی و...) • همکاری‌های محلی	حس تعلق به فضا	
• شرکت در مراسم‌های محله‌ای • همکاری در برگزاری آیین‌های جمعی (عزاداری‌ها، اعیاد)	فردیت و تعلق داشتن به گروه	
• بروز کالبدی رویدادها (آذین‌بندی فضا هنگام اعیاد یا مراسم عزاداری)	فرصت برای شخصی‌سازی فضا، تنوع	نیاز به خود شکوفایی
• ترکیب‌بندی مصالح‌نما، حاصل از خلاقیت در ترکیب‌بندی مصالح بومی • استحکام بصری جداره با توزیع مناسب و حداقلی گشودگی‌ها در تناسبات نما	نما و منظر غنا	نیاز به زیبایی

۱- ساکنین یک محله در اثر استمرار و عادت، ناخودآگاه و در زمان کوتاهی به تمامی ساختار محله مسلط شده و همه نقاط اصلی آن از جمله ورودی‌ها را به خاطر می‌سپارند. از این جهت، در طرح کالبدی ورودی محله برای این گروه، ضرورتی جهت شاخص نمودن و بارز کردن ورودی احساس نمی‌شود. گروه دوم مخاطب محلات، کسانی هستند که به صورت مقصدی و هدفمند وارد محلات می‌شوند. این گروه معمولاً با قصد و نیت قبلی و با گرفتن آدرس و نشانی وارد این محدوده می‌گردند. از این‌رو ورودی محله برای این گروه می‌بایست نقش یک نشانی را ایفاء نماید. علائم و جزئیات کالبدی‌ای که جهت شاخص شدن ورودی برای این گروه در نظر گرفته میشود بسیار جزئی، کم دامنه و کاملاً وابسته به عناصر کارکردی و رایج بستر محله است. به عنوان مثال قرار گرفتن کیوسک تلفن در کنار ورودی محله مغازه‌ای شناخته شده و خاص، برخی عناصر تأسیسات شهری، بعضی عناصر معماری ابنیه کنار ورودی (مثلاً درب قرمز رنگ) و ... از جمله مواردی‌اند که در عابرین هیچ‌انگیزه‌ای برای توجه به عمق و دسترسی به داخل محله ایجاد نمی‌نمایند، ولی برای افرادی که به هر دلیلی قصد ورود هدفمند به داخل محلات را دارند به خوبی نقش یک نشانه را بازی می‌کنند. به واقع این نوع علائم برای ساکنین و مخاطبین محله نوعی نشانه بالفعل و برای بقیه علائمی همانند سایر علائم دیگر زمینه می‌باشند. ویژگی غریب گز بودن، نشأت گرفته از مسائل مذکور است. ویژگی‌ای که عملاً ورود به محله را همواره سخت تر از خروج از محله می‌نماید. دو نکته در ایجاد این حس بسیار مؤثر است. یکی اینکه به لحاظ فضایی و کالبدی، ورودی محله جلوه‌گری ننماید و در عابرین هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای ورود ایجاد نکند. دوم اینکه به لحاظ فضایی و ذهنی نوعی سلسله مراتب از عمومی تا خصوصی را در ذهن افراد ایجاد نماید؛ به نحوی که افراد با احساس حریم خصوصی‌تر، از حضور غیر مقصدی و عبوری در محله اجتناب کند (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۲۴).



اندیشه‌ها		
اجزای فرهنگ	اجزای فرهنگ در شهر ابرکوه	مصادق در محدوده سرو دوم ابرکوه
ارزش‌ها	خانواده	اهمیت نسبت خانوادگی و پیوندهای فامیلی
	محلّه	تعلق به محلّه بخشی از هویت افراد است
هنجار	دید و بازدید اعضای خانواده در روزهای تعطیل	سر زدن به بزرگان فامیل در ایام سال نو یا اعیاد
سنت	خیرات و نذری دادن	نذری غذا در ده روز اول محرم نذری آش امام حسین(ع) (حلیم) در ایام محرم و صفر نذری دادن در روزهای ولادت و وفات ائمه
	سفره انداختن	سفره حضرت ابوالفضل و ...
باور	قناعت و صرفه‌بری	
	ساده‌زیستی	
	حجاب و محرمیت	سلسله مراتب دسترسی‌ها، حیاط اندرونی و بیرونی
عرف	خبر گرفتن از حال یکدیگر از طریق پیگیری شایعات مردم محلّه	سرعت اشاعه خبر به خصوص در میان همسایگان
آیین	جشن‌ها و اعیاد اسلام	اعیاد مذهبی مثل مبعث، قربان و نیمه شعبان و ...
	مراسم عزاداری و سوگواری‌ها	روزهای وفات ائمه و پیامبر به خصوص مراسم‌های ایام محرم

پیش‌تر (رجوع شود به قسمت آداب و رسوم‌های ویژه ابرکوه) از آداب ویژه و مرسوم در ابرکوه سخن گفته شد. آیین‌های مذهبی (جشن‌ها و مراسم‌های عزاداری)، باورها (آداب سفر رفتن و دعا برای بارش باران و ...) همگی اجزای فرهنگ ابرکوه هستند. در جدول ۳ مصادق‌های زمینه‌گرایی فرهنگی در محدوده مورد مطالعه مورد جستجو قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که در محدوده سرو دوم ابرکوه با توجه به قدمت و فرسودگی، زمینه‌گرایی فرهنگی بیشتر در نحوه چگونگی به پاسخگویی نیازها علی‌الخصوص نیازهای فیزیولوژیک خود را نشان می‌دهد و مصادق بیرونی دارد.

بسیاری از اندیشه‌ها که میراث بجا مانده از گذشته هستند و در قالب هنجار، سنت، باور و آیین، فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛ با توجه به میانگین سنی جمعیت، درصد مهاجرنشین و



۱۴۰

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۹

زمینه‌گرایی فرهنگی در مداخلات بافت تاریخی ابرکوه

وجود افراد غیربومی، تغییر در سبک زندگی، پیشرفت تکنولوژی مصداق بیرونی ندارد. باورهایی مثل ساده زیستی، قناعت و صرفه‌بری، با وجود مصرف‌گرایی شدید در جامعه دیگر، به عنوان ارزش بین مردم مورد قبول هستند. به طور مثال آیین باران خواستن، آداب عید قربان، مراسم‌های شب‌های ماه رمضان (در سحرگاهان برای بیدار کردن مردم کسانی که صدای خوشی داشتند، به پشت بام‌های خود رفته و مناجات می‌کردند و بدین‌وسیله دیگران را بیدار می‌کردند. کوبیدن به دلو برای بیدار کردن خفتگان و قرائت فارسی مناجات‌ها)، خیلی وقت است که به فراموشی سپرده شده‌اند. اما این فراموشی برای مراسم‌های دهه محرم صادق نیست. این مراسم همچنان به قوت گذشته برگزار می‌شود.

نتیجه‌گیری

هر مسئله طراحی، با کوشش برای رسیدن به سازگاری بین دو موجودیت آغاز می‌شود؛ فرم مورد نظر و زمینه‌اش. فرم راه حل مسئله است و زمینه آن مسئله را تعریف می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۴: ۲۰۰). به عبارت دیگر وقتی در مورد طراحی صحبت می‌کنیم، موضوع اصلی بحث تنها خود فرم نیست بلکه مجموعه‌ای است که شامل فرم و زمینه‌اش می‌شود. فرهنگ به معنای مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به مردم کمک می‌کند تا به محیط خود معنی دهند و فضاها را تبدیل به مکان کنند. از این‌رو شناسایی زمینه فرهنگی در هر مداخله‌ای علی‌الخصوص در بافت تاریخی و احترام به آن، طراح را در رسیدن به یک کلیت منسجم یاری می‌کند. در این صورت بافت تاریخی ضمن تجدید حیات پایدار و حفظ هویت کالبد، می‌تواند به عنوان یک مجموعه هم پیوند، منسجم و متداوم به زندگی خود ادامه دهد.

محیط‌های سازگار، چون در انطباق با انسان‌ها و فرهنگشان شکل می‌گیرند، عموماً تنش کمتری را بروز می‌دهند، نسبت به زمانی که افراد مجبورند خود را با محیطی ناسازگار وفق دهند (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۱۲۳). باید توجه داشت که طراح در رویکرد زمینه‌گرایی، در تأثیرپذیری طرح از فرهنگ تا آنجا پیش می‌رود که رفتار انسان را به یک نمایش تشبیه می‌کند؛ نمایشی که فضای طراحی شده، صحنه آن را برای ایفای بهتر نقش‌ها فراهم

می‌سازد. به نظر شرایط تأثیرگذار از جمله عامل «زمان»، همواره می‌توانند موقعیت پیش‌بینی نشده‌ای را پدید آورند. گذر زمان، بسیاری از عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار را تغییر می‌دهد و منجر به بروز رفتاری متفاوت از انسان می‌گردد و طبیعتاً صحنه نمایش خاص خود را می‌طلبد. پیشرفت تکنولوژی^۱، تغییر در سبک و شیوه زندگی که در گذر زمان به وجود آمده، نسلی با خاستگاه متفاوت و سوار بر موج مدرنیزاسیون و جامعه‌ای متجدد و نوگرا را مقابل ما قرار می‌دهد که هدف در نهایت، پاسخگویی به نیازهای این نسل است؛ نسلی با تفکری متفاوت که با تأسی از فرهنگ ناآشنای وارداتی، از ریشه‌ها و فرهنگ خود دور شده است. به نظر می‌رسد تقلید ساده از زمینه فرهنگی و رونوشت از گذشتگان، منجر به رقم زدن محیطی بی روح و بدون حضور ردپا و اثرگذر زمان، شده و به فضا حیات تازه نمی‌بخشد. از طرفی این محیط بی روح به دلیل انطباق بین انسان‌ها و چیزی که در حال حاضر به عنوان فرهنگ پذیرفته‌اند، مورد پذیرش کاربران قرار نمی‌گیرد و شکل جدیدی از بافتی ناکارآمد ایجاد می‌شود. لذا در زمینه‌گرایی فرهنگی به منظور ایجاد محیطی پاسخگو، شناسایی مؤلفه‌ها و اجزای زمینه فرهنگی - تاریخی محدوده مورد مطالعه و انطباق آنها با نیازهای امروزی انسان‌ها لازم و ضروری است.

راهکارها:

به منظور نیل به این هدف راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- اتکاء به مشارکت مردم و سرمایه اجتماعی بافت زمینه:

تردید نیست که هرگونه مداخله در بافت‌های تاریخی که مخاطب اصلی آنها مردم هستند، بدون مشارکت آنان توفیق چندانی در نیل به نتایج مورد نظر نخواهد یافت. هر چند شاید بتوان از طریق اجبار بیرونی و روش‌های تحکم‌آمیز، گام‌هایی برداشت، اما این روند در صورت عدم همکاری و مشارکت اجتماعی شهروندان و ساکنان، «پایدار» و بادوام نخواهد بود. مشارکت مردم، اعتماد آنها، دخالت و همیاری در توسعه و آبادانی شهر، احساس تعلق و به دنبال آن، ایجاد حس مسئولیت نسبت به شهر و محله را می‌توان معیارها و شاخص‌هایی برای سنجش مقوله تأثیرگذار دیگری با عنوان «سرمایه اجتماعی» در شهرها





دانست که اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در سرنوشت شهرها و میزان تحقق طرح‌ها و برنامه‌های شهری داراست. حال اگر بافت و زمینه مورد نظر، بافت کهن یا هسته مرکزی شهر تاریخی باشد، اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق نگاهداشت بافت و ارزش‌های مندرج در آن، به مراتب بیشتر خواهد بود. مشارکت مردم در طرح‌ها علاوه بر آنکه به حفاظت از سرمایه‌های اجتماعی ارزشمند، کمک می‌کند، درک و شناخت عمیقی از نیازهای ساکنین و فرهنگ زمینه می‌دهد؛ لذا تطابق فضا با نیازها میسر می‌شود. ناگفته پیداست که بسیاری از سلاقی و ذواتق مردم و بهره‌برداران با آنچه آرمان طرح‌ها و برنامه‌هاست، هم‌خوان نخواهد بود. در این زمینه لازم است در ابتدا سنجش مناسبی از نیازها، سلیقه‌ها و خواسته‌های مردم به دست آید. پس از آن باید تا حد امکان، پاسخ به نیازها در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ گردد.

- شناسایی اندیشه‌های زنده و پویا در ساخت شهر که برآمده از زمینه بوده و متضمن هویت‌مندی وحدت هستند و بازنگری دوره‌ای در این اندیشه‌ها و معیارها به دلیل تغییر در ارزش‌ها و انطباق با مقتضیات مکانی:

همان گونه که گفته شد ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، باورها، عرف و آیین همگی با عنوان «اندیشه‌ها» از اجزای فرهنگ هستند. یافته در محدوده سرو دوم نشان می‌دهد که بسیاری از رسوم و آیین‌های گذشته با گذر زمان و پیشرفت تکنولوژی و تغییرات جمعیتی دیگر مرسوم نبوده و مورد قبول نیستند. لذا شناسایی آن دسته از اجزای فرهنگ که با گذر زمان همچنان زنده و پویا هستند؛ و بکارگیری آنها در ایجاد مکان و حس تعلق، منجر به تجدید حیات پایدار خواهد شد. بازنگری دوره‌ای در معیارهای زمینه‌گرایی و مصداق کالبدی آنها می‌تواند گامی مؤثر در این زمینه باشد.

- بسترسازی به منظور شناساندن فرهنگ غنی و اصیل زمینه به مردم:

در ورود به دوران جدید سنگ بنای تفکری نهاده شد که براساس آن، هر آنچه متعلق به تاریخ و منسوب به سنت بود مذموم دانسته می‌شد و در مقابل پیشرفت و ترقی قرار می‌گرفت. این تفکر از اولین دوره‌های برخورد ما با مغرب زمین - به طور جدی در دوران قاجاریه - سرچشمه گرفت و در دوره پهلوی اول به اوج خود رسید. سیاست مدرنیزاسیون

رضاشاهی از طریق تبدیل «کهن» به «کهنه»، با هر آنچه نسبتی با سنت، قدمت و به‌زعم او رنگی از کهنگی داشت، ناسازگار بود. در ورود به دوران جدید، سنگ بنای تفکری نهاده شد که براساس آن، هر آنچه متعلق به تاریخ و منسوب به سنت بود مذموم دانسته می‌شد و در مقابل پیشرفت و ترقی قرار می‌گرفت (بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). در نتیجه بسیاری از ارزش‌هایی که در گذشته وجود داشته به مرور زمان به فراموشی سپرده شده است.

به هر حال باید اذعان نمود که جریان کلی معماری و شهرسازی کشورمان در این دوران حال و روز چندان خوشی نداشته است و پیش از آنکه در حال گام نهادن در رهگذر ترقی و تکامل بوده باشند، روند رو به حسیضی را در پیش گرفته است. در نتیجه، رجوع به گذشته و استفاده از ارزش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که طراحی فضا برای مردم و پاسخگویی به نیازهای آنهاست، لذا شناساندن فرهنگ اصیل و غنی بستر به طرق مختلف از جمله:

- توجه به معنا به‌عنوان مهم‌ترین متغیر در درک محیط

- استفاده، حفظ و تقویت نمادها و نشانه‌های موجود در زمینه برای حافظه بصری

مخاطبان، و

- تغییر کاربری ابنیه تاریخی به‌جا مانده به کاربری‌های فرهنگی برای به تصویر کشیدن

فرهنگ و آداب و رسوم،

می‌تواند گامی مؤثر در پیوند فرم با زمینه مورد نظر باشد.



منابع و مآخذ

- اکرمی، حامد (۱۳۹۴). ابرکوه، شهر نمونه گردشگری تاریخی و طبیعی، قم: سپهر اندیشه.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۴). یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم (ترجمه: سعید زرین‌مهر)، تهران: انتشارات روزنه.
- بیگزاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۳). معماری میان‌افزا در زمینه‌های تاریخی شهری مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی: نمونه موردی ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی شهر یزد. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان. دانشگاه اصفهان.



۱۴۳

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۹



- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳ از فضا تا مکان. تهران: آرمان‌شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی معاونت شهرسازی و معماری.
- تولایی، نوین (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷). شهرهای انسان‌محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچ (ترجمه: علمی، حسن و جدلی، فیروزه)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۹۲). فرهنگ عامه ابرکوه، یزد: تیک.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۲). «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»، (ترجمه: صدف آل‌رسول)، فصل‌نامه فرهنگستان هنر: ۶۵-۱۱.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی. (ترجمه: فرح حبیبی)، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.
- زیاری، کرامت‌الله؛ بیرانوند، مریم و ابراهیمی، سمیه (۱۳۸۸). «ارائه الگوی بهینه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، نمونه موردی: شهر یزد»، مجموعه مقالات اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد. صص ۹۹-۸۵.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۲۰۰۰). روح مکان (ترجمه: محمدرضا شیرازی)، تهران: رخداد نو.
- عیسی‌زاده، کوثر (۱۳۹۵). «تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی»، تهران: نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۶: ۷۱-۹۶.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۶). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کارمونا، متیو؛ هیت، تیم و تیدسل، استیون (۱۳۸۶). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری (ترجمه: صالحی، اسماعیل؛ شکوهی، مهشید؛ قرائی، فریبا و اهری، زهرا). تهران: دانشگاه هنر.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۴). یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم (ترجمه: سعید زرین‌مهر)، تهران: انتشارات روزنه.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی (ترجمه: فریدون وحید)، تهران: سروش.

- لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه‌های معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط) (ترجمه: علیرضا عینی‌فر)، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ماجدی، حمید و سعیده زرآبادی، زهرا سادات (۱۳۸۹). «شهر نشان‌دار به مثابه شهر زمینه‌گرا». **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۳ (۳): ۱-۲۱.
- مالدینوفسکی، برونیسلاو (۱۳۷۸). **نظریه‌های علمی درباره فرهنگ** (ترجمه: عبدالحمید زرین‌قلم)، تهران: انتشارات گام نو.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۵). «بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری»، **هنرهای زیبا**، شماره ۲۵: ۶۴-۵۵.
- مهندسین مشاور پویا نقش شهر و بنا (۱۳۸۶). «طرح جامع شهرستان ابرکوه». ابرکوه: شرکت مهندسی مشاور پویا نقش شهر و بنا.
- مدرس‌زاده ابرقوئی، علی (۱۳۷۷). **شناخت ابرقوه و قدمت آن**، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- نقوی، پویان و مظاهریان، حامد (۱۳۹۸). «تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری»، **نشریه باغ نظر**، ۱۶ (۷۴): ۸۰-۶۹.
- یاقوت حموی، معجم البلدان (۱۹۶۵) چاپ ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ افسست: تهران.
- Alexander, C., Ishikawa, S and Silverstein, M (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. New York: Oxford University Press.
- Bierstedt, R (ed.) (1970). *Cultural Sciences: Their Origin and Development*. Transaction. ISBN 978-0-87855-689-2.
- Adrian, F (2000). *Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture*. London: T& M.
- Hillier, B and Hanson, J. (1985). *The social logic of space* Cambridge, Cambridge University Press.
- King, R. (1996). *Emancipating space: geography, architecture, and urban design*, New York: Guilford Press.
- Levine, Donald., N. (1971). *Georg Simmel on Individuality and Social Forms*, Chicago: University of Chicago Press.
- Rapoport, A (1977). *Human Aspects of Urban Form*. New York: Pergamon Press.
- Smith, P, F (1973). "City as organism. Ekistics", 35 (209): 234-240.
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality* (3rd ed.). Delhi, India: Pearson Education.

